



❖ عنوان پژوهش: آینده پژوهی اشتغال غیررسمی در ایران		
❖ نوع پژوهش:		
<input type="checkbox"/> توسعه‌ای	<input type="checkbox"/> بنیادی	<input checked="" type="checkbox"/> کاربردی
❖ نوع خروجی حاصل از انجام پژوهش:		
<input type="checkbox"/> سند سیاست‌گذاری	<input type="checkbox"/> گزارش کارشناسی	<input checked="" type="checkbox"/> طرح پژوهشی

لازم به ذکر است در چارچوب پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، منظور از طرح پژوهشی، سند سیاست‌گذاری و گزارش کارشناسی به شرح ذیل است:

«طرح پژوهشی»

طرح پژوهشی یکی از انواع قالب‌های تولید علمی محسوب می‌شود که منطبق با اصول علمی روش تحقیق انجام می‌شود.

«سند سیاست‌گذاری»

«سند سیاست‌گذاری»، گزارشی کوتاه، بی‌طرفانه و موجز در پاسخ به یک سؤال مشخص یا راجع به یک مسئله خاص است که استاندارد صلاحیت برای تهیه سند سیاست‌گذاری، افراد خبره هستند. این گزارش شامل سه بخش زیر می‌شود: بخش اول که به آن «خلاصه مدیریتی» خواهیم گفت، بر روی جلد گزارش، ضمن بیان مشکل در یک یا دو سطر، به ارائه راهکارهای اجرایی منطقی برای آن در حداکثر نصف صفحه می‌پردازد. بخش دوم که گزارش اصلی را تشکیل می‌دهد و در ۳ تا ۵ صفحه مطابق چارچوب تعیین شده تهیه می‌شود، «پیشنهادات سیاست‌گذاری» نامیده می‌شود. بخش سوم که به تحلیل دقیق موضوع و ارائه اسناد پشتیبان آن می‌پردازد، «یادداشت سیاست‌گذاری» نام دارد. هر یک از این سه بخش برای اهداف خاص و مخاطبان ویژه خود تهیه می‌شوند.

«گزارش کارشناسی»

شامل ارائه یک گزارش کامل در خصوص یک موضوع خاص موردنظر است که به یک فرد مجری با سطح صلاحیت حداقل «محقق» واگذار می‌شود تا حداکثر طی ۳ ماه، گزارش موردنظر را منطبق با فرمت ارائه‌شده تهیه و ارائه نماید.

«تعریف سطح خرد/متوسط/کلان»

طرح خرد- طرحی است که از حیث مبلغ سه برابر حدنصاب معاملات خرد مؤسسه می‌باشد.

طرح متوسط- طرحی است که از حیث مبلغ از معاملات خرد فراتر بوده و حداکثر ده برابر سقف حدنصاب معاملات خرد مؤسسه می‌باشد.

طرح کلان- طرحی است که از حیث مبلغ از سقف معاملات متوسط فراتر باشد.

❖ توصیف و بیان مسئله:

اشتغال یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در تمامی جوامع مدرن است. اگرچه امروزه اشتغال عمدتاً از منظر اقتصادی تحلیل می‌شود اما می‌توان ادعا نمود بعد اقتصادی اشتغال در قیاس با ابعاد اجتماعی و روانی آن در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار می‌گیرد. در واقع اشتغال تنها ابزاری برای تأمین درآمد و نیازهای زیستی نیست بلکه امری است که افراد به‌واسطه آن در جستجوی گرفتن تأیید از اجتماع و دستیابی به هویت و تشخیص هستند. به همین دلیل امروزه مسائل کیفی مربوط به اشتغال در کنار مسائل کمی (و در بسیاری از موارد حتی در جایگاهی بالاتر از آن‌ها) در مرکز نگاه پژوهشگران و سیاست‌گذاران این حوزه قرار گرفته‌اند و مفاهیمی نظیر «کار شایسته» مرزهای کار و شغل را از محدوده‌های صرف اقتصادی آن فراتر برده و با عمیق‌ترین نیازهای روحی و روانی زندگی انسان‌ها پیوند داده‌اند.

جایگاه ویژه اشتغال در جوامع انسانی سبب شده است که سیاست‌گذاری اشتغال در دستور کار تمامی دولت‌ها و سازمان‌های رفاهی و کارشناسان حوزه‌های مختلف قرار گیرد. از یک‌سو اقتصادهای پویا با ایجاد فرصت‌های تازه اشتغال، ضمن بهره‌گیری از توانمندی‌های افراد مختلف، به افزایش دامنه و ابعاد این توانمندی‌ها یاری می‌رسانند و از سوی دیگر دولت‌ها (حتی در آزادترین اقتصادهای سرمایه‌داری)، با همراهی سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مدنی، با اتکا بر انواع متفاوتی از مداخلات، ضمن پویایی بخشیدن به اقتصادها و افزایش فرصت‌های شغلی، زمینه‌های کیفی امر اشتغال (شامل ابعاد حقوقی، اجتماعی، رفاهی و ...) را بهبود می‌بخشند. روابط پویا میان عرصه‌های اقتصاد، سیاست و جامعه به گسترش فرصت‌های کمی اقتصاد در کنار تعمیق کیفیت آن منجر می‌شود.

بر مبنای ملاحظات پیش‌گفته، افزایش نرخ اشتغال در کنار بالا رفتن کیفیت اشتغال و حرکت به سمت تحکیم معیارهای کار شایسته سبب‌ساز پویایی اقتصاد و شادابی جامعه خواهد شد؛ بنابراین در شرایط که جامعه، سیاست و اقتصاد به هر دلیلی از افزایش فرصت‌های کار سالم ناتوان بمانند باید در انتظار بحرانی پایدار و سراسری بود.

آمارها نشان می‌دهند که در سه دهه اخیر علی‌رغم تغییرات نرخ اشتغال و بیکاری، همواره بخش قابل‌توجهی از جمعیت ایران در زمره بیکاران قرار گرفته‌اند. نرخ بیکاری در این دوره، حتی با در نظر گرفتن دستکاری در شاخص‌های آماری که شمار زیادی از بیکاران را در زمره شاغلان قرار می‌دهد، همواره دو رقمی بوده است. نسبت اشتغال همواره در محدوده چهل درصد نوسان داشته و نرخ مشارکت به‌ویژه در سال‌های اخیر، علی‌رغم افت‌وخیزهای فصلی و سالانه، در مسیر نزولی قرار گرفته است. در عین حال نسبت گروه‌هایی مانند جوانان و تحصیل‌کردگان در آمارهای بیکاری همواره بالاتر از بقیه گروه‌ها بوده است. با نگاهی به شاخص‌های کار شایسته و مقایسه آن‌ها با وضعیت اشتغال در بسیاری از بخش‌ها خواهیم دید که در کنار معیارهای کمی اشتغال و بیکاری، معیارهای کیفی نیز در وضعیت نزولی قرار دارند.

مجموعه این آمارها نشان می‌دهد که اشتغال در ایران در وضعیتی نیست که پویایی و نشاط اجتماعی و رونق پایدار اقتصادی را تضمین کند. سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ دولتی نیز در موارد زیادی بیش از آنکه به بهبود شاخص‌های کمی و کیفی اشتغال یاری رسانند خود به مانعی در مقابل دستیابی به استانداردهای جهانی بدل شده‌اند. در این شرایط یکی از اموری که وضعیت بلندمدت اشتغال در ایران را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد، آمارهای مربوط به اشتغال غیررسمی است. مطابق آمارها اشتغال غیررسمی در ایران در طی دهه‌های اخیر رو به فزونی بوده و بعضی از گزارشات از سهم ۶۰ درصدی این شکل از اشتغال در بازار کار خبر می‌دهند. صرف‌نظر از میزان دقیق اشتغال غیررسمی در ایران با توجه به پذیرش روند افزایشی و سهم قابل‌توجه این نوع از اشتغال در بازار کار، نفس چنین روندی باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه بسیاری از شاغلان در بازار غیررسمی از دستمزدهای پایینی برخوردارند و قوانین تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری و انواع حمایت‌های شغلی درباره آن‌ها صدق نمی‌کند، آن‌ها را می‌توان از جمله آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی دانست که در موارد زیادی هم از تأمین نیازهای بنیادین زیستی عاجزند و هم از ارضای نیازهای سطح بالای روحی و روانی ناتوان هستند. نداشتن قراردادهای قانونی و عدم شمول در ذیل

قوانین حمایتی کار، آن‌ها را به افرادی بدل می‌کند که بیش از سایرین باید تحت حمایت سازمان‌های دولتی و عمومی مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی قرار دارند و این در حالی است که این افراد عملاً از بسیاری از حمایت‌های مربوطه بی‌بهره هستند.

با توجه به ماهیت ویژه شاغلان در بخش غیررسمی لازم است ضمن شناسایی وضعیت آن‌ها و درک روندهای تحول اشتغال غیررسمی و علل افزایش میزان آن در دهه‌های اخیر، تصویری دقیق از وضعیت آینده آن‌ها به دست آوریم. به دست آوردن چنین تصویری به‌ویژه به سازمان‌های مرتبط با حوزه رفاه و تأمین اجتماعی کمک می‌کند که از یک‌سو سازوکارهای گسترش دامنه شمول گزینه‌های حمایتی و بیمه‌ای خود به این افراد را بررسی و یا بازبینی کنند و از سوی دیگر با عنایت به مسائل قانونی و اقتصادی و انواع مختلف سیاست‌گذاری‌ها تا حد امکان با عوامل گسترش‌دهنده این شکل از اشتغال مقابله کرده و آن را مهار نمایند. همچنین در شرایطی که گسترش اشتغال غیررسمی عملاً این سازمان‌ها را در آینده نزدیک یا میانی با مشکلات عدیده‌ای در منابع خود مواجه خواهد نمود، این سازمان‌ها می‌توانند با نگاهی به آینده، راهکارهای مقابله با این کسری منابع را شناسایی نموده و با پیامدهای اشتغال غیررسمی مواجهه کارآمدتری صورت دهند.

بر این مبنا تحقیق حاضر با اتکا به تکنیک‌های آینده‌پژوهی به دنبال شناسایی سناریوهای محتمل تحول در اشتغال غیررسمی در ایران است. نتایج این تحقیق، سازمان‌های مرتبط با رفاه و تأمین اجتماعی در ایران را یاری خواهد داد که ضمن به دست آوردن تصویر دقیق‌تری از روند تحولات اشتغال غیررسمی از یک‌سو به‌مواجهه کارآمد و فعال با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تحول در این نوع اشتغال بپردازند و از سوی دیگر تأثیر این تحولات را بر ساختار و دستور کارها و همچنین منابع و مصارف خود بررسی نمایند.

این پژوهش چنانکه ذکر آن رفت با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی صورت خواهد گرفت. در آینده‌پژوهی می‌توان چارچوب‌های زمانی متفاوتی را مورد بررسی قرار داد: چارچوب‌های بسیار کوتاه‌مدت (یک‌ساله)، کوتاه‌مدت (یک تا پنج‌ساله)، میان‌مدت (پنج تا بیست سال)، درازمدت (بین بیست تا پنجاه سال) و بسیار درازمدت (یا آینده دور در افق بیش از پنجاه سال). در نظر گرفتن هر یک از این چارچوب‌ها به‌عنوان محور زمانی پژوهش به مقتضیات کلی موضوع و نیز هدف آینده‌پژوهی و همچنین تحولات کلی در چارچوب گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... بستگی دارد. با توجه به نیازهای سازمان‌های مربوطه در تحقیق حاضر صرفاً بر تدوین سناریوهای تحول در کوتاه و میان‌مدت تمرکز خواهیم داشت. مطابق قرارداد، در تحقیق حاضر محدوده زمانی ۵ سال را کوتاه‌مدت و محدوده زمانی ۱۰ سال را میان‌مدت تلقی خواهیم نمود. بدیهی است که این تقسیم‌بندی که مورد تأیید انجمن آینده جهان نیز قرار دارد، قراردادی است و بر پایه ضرورت‌های سازمان‌های ذی‌ربط و مقتضیات شرایط موجود کشور مورد پذیرش واقع شده است.

❖ اهداف موردنظر برای تحقیق:

◀ هدف اصلی

شناسایی سناریوهای محتمل اشتغال غیررسمی در کوتاه و میان‌مدت در ایران.

◀ اهداف فرعی

۱. شناخت تحولات گذشته اشتغال غیررسمی در ایران در سی سال اخیر؛
۲. شناخت وضعیت کنونی اشتغال غیررسمی در ایران؛
۳. شناسایی پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های موجود در مسیر تحول اشتغال غیررسمی در ایران؛
۴. شناسایی تأثیرات سناریوهای محتمل اشتغال غیررسمی بر عملکرد و منابع سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ و
۵. شناسایی راهبردهای مواجهه با سناریوهای محتمل تحول در اشتغال غیررسمی در ایران.

زمینه‌های استفاده و کاربرد نتایج تحقیق (کاربست آن در سازمان تأمین اجتماعی یا حوزه رفاه و تأمین اجتماعی):

۱. سازمان تأمین اجتماعی؛
۲. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛
۳. وزارت امور اقتصادی و دارایی؛
۴. سازمان برنامه و بودجه؛
۵. سازمان امور استخدامی؛ و
۶. مجلس شورای اسلامی.

❖ محدوده مکانی و محدوده زمانی

محدوده مکانی: جغرافیایی سرزمینی ایران.

محدوده زمانی:

دوره سی سال گذشته برای تحلیل گذشته‌نگر؛

دوره پنج سال آینده برای تحلیل آینده کوتاه‌مدت؛ و

دوره ده سال آینده برای تحلیل آینده میان‌مدت

❖ شرح خدمات مورد انتظار:

۱. مروری بر مطالعات اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی؛
۲. تحلیل وضعیت گذشته اشتغال غیررسمی در ایران طی سه دهه اخیر؛
۳. تحلیل وضعیت کنونی اشتغال غیررسمی در ایران؛
۴. تحلیل روندهای تحول در اشتغال غیررسمی در ایران طی سه دهه گذشته؛
۵. تحلیل عوامل مؤثر بر روندهای تحول؛
۶. تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی مؤثر بر تحولات اشتغال غیررسمی در آینده کوتاه و میانی؛
۷. تحلیل سناریوهای آینده تحول در روند اشتغال غیررسمی در ایران؛
۸. تحلیل تأثیرات تحول در اشتغال غیررسمی در ایران بر عملکرد و منابع سازمان تأمین اجتماعی؛
۹. تحلیل تأثیرات تحول در اشتغال غیررسمی در ایران بر عملکرد و منابع وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ و
۱۰. تدوین راهبردهای مؤثر مواجهه سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با سناریوهای محتمل اشتغال غیررسمی در ایران.

❖ خروجی‌های مورد انتظار:

۱. نمودارهای تحول در اشتغال غیررسمی در ایران؛
۲. جدول تحلیل تأثیرات عوامل مؤثر بر روند تحول در اشتغال غیررسمی در ایران؛
۳. جدول وضعیت اجتماعی اشتغال غیررسمی در ایران؛
۴. نقشه پراکندگی جغرافیایی اشتغال غیررسمی در ایران؛
۵. چارچوب سناریوهای محتمل تحول در اشتغال غیررسمی در ایران؛



کد سند:
شماره ویرایش:

۶. نمودار تأثیرات سناریوهای محتمل تحول در اشتغال غیررسمی بر سازمان تأمین اجتماعی؛
۷. نمودار تأثیرات سناریوهای محتمل تحول در اشتغال غیررسمی بر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ و
۸. نقشه راهبردی مواجهه با تأثیرات سناریوهای محتمل بر سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

❖ محدودیت‌ها و موانع احتمالی پیش رو:

-۱

-۲

...

❖ مدت‌زمان حدودی اجرای پروژه (ماه):

۶ ماه

❖ سطح موردنظر برای اجرای طرح: خرد متوسط کلان